

برخی از اصطلاحات قرآنی در زبان فارسی

کرم الله تملری

در اثر نفوذ فرهنگ قرآنی در زندگی و گفتگوهای مسلمانان، واژگان و اصطلاح‌های متعددی از متن و مفاهیم قرآن به جریان زندگی مردم وارد شده است برخی از این تعابیر عیناً و برخی با برگردان فارسی بر زبان مردم جاری می‌شود که نمونه‌هایی از آن در پی می‌آید:

فاتحه خواندن: فاتحه نام سوره مبارکه حمد است اما در اصطلاح، به پایان کار یا خواندن سوره فاتحه برای مردگان اطلاق می‌شود.

بارک الله: برگرفته از آیه «**فَتَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ**» (سوره مؤمنون، آیه ۱۴) است که در پایان آیات مربوط به مراحل خلقت انسان آمده است و در مقام تحسین و تمجید افراد به کار می‌رود.

کن فیکون شدن: برگرفته از آیه ۴۰ سوره نحل درباره اراده الهی است که (هر چه را بگوید: باش، پس می‌باشد). «**إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ**» لکن کاربرد این عبارت در موارد ویرانی، بی‌نظمی و از هم پاشیدگی می‌باشد درحالی‌که عبارت قرآنی بر قطعی و آنی بودن اراده و فضل الهی دلالت می‌کند.

ما شاء الله: یعنی آنچه خدا بخواهد و از آیه ۳۹ کهف گرفته شده «**وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنَّ تَرْنَ اَنَا أَقَلُّ مِنْكَ مَالاً وَوَلَدًا**». چرا چون وارد باغ شدی نگفتی هرآنچه خدا خواهد و هیچ قدرتی مگر با لطف خدا نیست.

این عبارت در مقام توکل بر خدا یا تحسین و سپاس‌گزاری نعمت به کار می‌رود.

نور علی نور: اگر کار یا چیز خوبی به همراه یک خوبی دیگر بیاید یا فرد دارای وضو دوباره وضو بگیرد این عبارت را به کار می‌برند که مربوط به آیه ۳۵ سوره نور است.

وان یکاد خواندن: از آیه معروف ذیل است:

«وان یکاد الذین کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر ویقولون انه لمجنون وما هو الا ذکر للعالمین» (سوره قلم، آیات ۵۱ و ۵۲) (واگرچه نزدیک بود کافران وقتی قرآن را شنیدند به تو چشم زخم برسانند و تو را مجنون بشمارند ولی خداوند نگذاشت درحالی قرآن جز پندی برای جهانیان نیست) و برای مقابله با چشم زخم و انجام موفق کارها به این آیه متوسل می‌شوند.

هباء منثور: به معنی غبار پراکنده و مأخوذ از آیه ۲۳ سوره فرقان که می‌فرماید: «وقدمنا الی ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا» (و به هر عملی که کرده اند روی آوریم و آن را هیچ و پوچ گردانیم) این تعبیر را برای کاری که بی‌نتیجه باشد و یا به مفهوم هیچ و پوچ و بر باد رفته به کار می‌برند.

خسر الدنيا والاخره: مربوط به آیه ۱۱ سوره حج که می‌فرماید: «برخی از مردم خدا را بر کناره راه عبادت می‌کنند. پس اگر خیری به ایشان رسد بدان دل سپرند و چون سختی رسد از سر عدم رضایت روی برگردانند، اینان دنیا و آخرت را باخته‌اند...»

این عبارت برای کسی گفته می‌شود که عملش نه سود مادی دارد و نه نفع معنوی به درک اسفل: تعبیری منفی و توبیخ آمیز است مانند «به جهنم»، مأخوذ از آیه ۱۴۵ سوره نساء: «ان المنافقین فی الدرك الاسفل من النار» (منافقان در طبقه زیرین جهنم جای دارند) و در جایی به کار می‌رود که علی‌رغم اصرار، از پذیرش موضوع یا قبول کاری توسط طرف مقابل ناامید شوند.

باقیات الصالحات: در مورد کارهای نیکو و ماندگار و اثر بخش گفته می‌شود و در دو آیه از قرآن از جمله آیه ۴۶ سوره کهف به کار رفته است: «والباقیات الصالحات خیر عند ربک ثواباً و خیر املاً» (و کارهای ماندگار شایسته نزد پروردگارت خوش پاداش‌تر و امید بخش‌تر است).